

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

سارا نیکو
۰۵ جولای ۲۰۲۲

لغو حق سقط جنین زنان، لکه ننگ دیگری بر پیشانی بیدادگاه عالی امریکا

بعد از نیم قرن تلاش زنان در امریکا جهت به دست آوردن حق سقط جنین، در تاریخ ۲۴ ماه جون ۲۰۲۲ اکثریت قضات محافظه کار و مرتجعی که توسط روسای جمهوری خواه برگزیده شده بودند، بعد از ماه ها مانورهای سیاسی رأی به لغو حق سقط جنین زنان و حذف آن دادند. با توجه به این که اثرات مخرب این اقدام زندگی میلیون ها زن را تحت تأثیر قرار خواهد داد، این روز بی شک به عنوان یکی از سیاه ترین روزها در تاریخ معاصر امریکا در حافظه ها ثبت خواهد شد. پس از حذف حق سقط جنین زنان، تصمیم گیری روی این امر به ایالات امریکا واگذار شده تا هر ایالتی قانونی بودن یا نبودن حق سقط جنین را در حیطه جغرافیائی خود برای زنان تعیین نماید. واضح است که دست اندرکاران مرتجع در دادگاه عالی با این کار عملاً دست فرمانداران محافظه کار در حداقل بیش از ۲۶ ایالت را برای از بین بردن حق سقط جنین زنان کاملاً باز گذاشته اند.

با لغو حق سقط جنین زنان، حتی سقط جنین دختران نو جوان که بر اثر تجاوز باردار شده اند نیز ممنوع اعلام شده است و در این مورد نیز اقدام به سقط جنین می تواند با پیگردهای قانونی روبه رو شود. این قانون ظالمانه حتی شامل زنانی هم می شود که سلامت آنها بر اثر ادامه بارداری می تواند در معرض خطر قرار گیرد.

نکته مهمی هم که باید مورد توجه قرار گیرد این است که این حکم شنیع و زن ستیزانه در حالی صورت می پذیرد که بر طبق آمار رسمی، ۷۵ درصد از مردم امریکا موافق آزادی سقط جنین می باشند که خود به طور آشکار تعارض حکم دادگاه عالی با خواست اکثریت جامعه را به نمایش می گذارد. بر این مبنا جای تعجب نیست که هنوز یک روز از صدور این حکم نگذشته مسئولین ۱۳ ایالت بر اساس این حکم، حق سقط جنین را در ایالت خود کاملاً لغو نمودند.

"رو" در مقابل "وید" چه بود؟

در سال ۱۹۶۹ یک زن جوان ۲۵ ساله مجرد به نام "نورما مک کوری" با نام مستعار "جین رو" که فرزند سوم خود را باردار شده بود، با خواست سقط جنین، قانون منع سقط جنین در ایالت تگزاس را به نبرد فراخواند. دفاع از قانون ضد سقط جنین به عهده "هنری وید" دادستان دالاس گذاشته شده بود. تقاضای "جین رو" از طرف دادگاه رد شد و او مجبور به زایمان شد. اما او از پای ننشست و تقاضای تجدید نظر پرونده خود را به دادگاه عالی امریکا ارائه داد. این پرونده در سال ۱۹۷۳ مورد بررسی قرار گرفت و در شرایط آن روزگار، قضات دادگاه با توضیح این که قوانین

موجود، حریم خصوصی زنان را نقض می کنند با هفت رأی موافق در مقابل دو رأی مخالف، ایالت ها را فاقد قدرت در ممنوعیت حق سقط جنین زنان دانستند و "رو" قانون حاکم به نفع زنان در سراسر امریکا شد. البته باید در نظر داشت که این تصمیم در شرایطی بر دادگاه عالی امریکا تحمیل شد که در شرایط رسوائی های مفتضحانه امریکا در جنگ علیه مردم ویتنام، جنبش های اجتماعی در سراسر جهان و در امریکا فضای مبارزاتی خاصی را به نفع نیروهای مترقی جامعه ایجاد کرده بودند.

شکی نیست که ملغی ساختن حق سقط جنین در درجه اول زنان تهیدست و از طبقات پائین جامعه را با مشکلات بسیار جدی روبه رو می سازد؛ و این زنان و کودکان ناخواسته آنها قربانیان اصلی این سیاست مرتجعانه حاکمان خواهند بود. در جامعه ای که با وجود آزادی سقط جنین، زنان کارگر و زحمتکش بسختی قادر به تأمین معاش خود و فرزندانشان هستند، و نزدیک به نیم میلیون کودک بی سرپرست وجود دارد روشن است که لغو حق سقط جنین زنان چه معضلاتی برای زنان تهیدست جامعه ایجاد می کند. در جامعه ای که بهداشت رایگان عمومی وجود ندارد و میلیون ها زن و کودک فاقد هر گونه بیمه درمانی هستند؛ در جامعه ای که هزینه مهد کودک مساوی یک ماه حقوق زنان کارگر می باشد، در جامعه ای که اثری از مزایای حقوقی برای مادر در بدو تولد کودک وجود ندارد؛ در جامعه ای که در بین کشورهای پیشرفته بیشترین آمار مرگ مادر و کودک هنگام زایمان وجود دارد، آری در چنین جامعه ای برای زنان زحمتکشی که با هزار رنج و مشقت با چند شیفت کار کردن امرار معاش می کنند جلوگیری از حق سقط جنین، جز بدتر شدن شرایط زندگی شان معنایی دیگری نمی تواند داشته باشد!

مسلماً لغو حق سقط جنین همه زنان در جامعه را با مشکلاتی جدی روبه رو می سازد، اما بخوبی می دانیم که زنان طبقات مرفه با توجه به امکانات مالی شان با متحمل شدن هزینه های سفر کماکان قادر به سقط جنین در کشورهایی که سقط جنین در آنجاها آزاد است خواهند بود. اما برای زنان زحمتکش و تهیدست چنین امکانی وجود ندارد، آنهم در شرایطی که بر طبق آمار ۶۱ درصد از زنانی که تا قبل از این تصمیم سقط جنین می کردند را زنان غیر سفید پوست تشکیل می دادند که بخش بزرگی از آنان زنان فقیر و کارگری هستند که یک روز کار نکردن آنها مساوی با گرسنگی و نداشتن هزینه اجاره خانه شان می باشد. در حال حاضر نزدیک به ۲۴ درصد از زنان اسپانیایی تبار و ۱۳ درصد از زنان سیاه پوست و ۸ درصد از زنان سفید پوست فاقد هر گونه بیمه درمانی هستند، زنانی که از هرگونه حمایتی محروم می باشند. با در نظر گرفتن این واقعیت روشن است که تصمیم ظالمانه لغو قانون حق سقط جنین چه نتایج دردناکی برای چنین زنانی خواهد داشت. واضح است که در شرایط کنونی آنها عملاً راهی جز ادامه بارداری و یا سقط جنین به شیوه های قرون وسطائی خانگی نخواهند داشت. متخصصان نیز از همین امروز هشدار می دهند که هزاران هزار زن به خاطر این تصمیم مرتجعانه جان خود را از دست خواهند داد و یا دچار آسیبهای بدنی غیر قابل ترمیم خواهند شد.

امروز در مقابل تعرضی که به حقوق زنان صورت گرفته زنان در دوره افتاده ترین نقاط امریکا از مرکز گرفته تا ایالت های محافظه کار جنوبی با خشم تمام دست به مبارزه زده اند و این مبارزات جسورانه که تا حدی به صورت رادیکال پیش می رود پایه های دستگاه حاکمیت را به هراس انداخته است؛ چرا که زنان مبارز نه تنها مراکز ستم را مورد خشم مبارزاتی خود قرار داده اند بلکه خانه های شخصی قضات را هم از خشم بی امان خود مصون نگه نداشته اند. در پرتو مبارزات زنان امریکا جناح دیگر هیات حاکمه (در حزب دمکرات) مردم را به آرامش و بردباری و شرکت در انتخابات دعوت می کنند تا حزب دموکرات بتواند دست بالا را در هیأت حاکمه داشته باشد. اما مردم به طور آگاهانه و با هشیاری از آنها سوال میکنند که در این مدت که انتخاب شدید چه کردید؟ آنها می گویند شما در حالیکه می

دیدید مرتجعین چگونه حقوق و زندگی ما را به سلاخی می‌کشند فقط نظاره گر بودید! زنان آگاه بخوبی می‌فهمند که شرایط امروزشان نتیجه سالها تعرض سرمایه داری به حقوق زحمتکشان این جامعه می‌باشد. آنها به چشم خود دیدند که چگونه حاکمین در دوران سیاه کرونا با بی‌اعتنایی کامل جان بیش از یک میلیون نفر را در این جامعه قربانی منافع اقتصادی خود کردند؛ می‌بینند و می‌فهمند که دادگاه عالی به عالی‌ترین شکل، حافظ منافع طبقه حاکم سرمایه داران می‌باشد. در نتیجه برای زنان مبارز واضح است که لغو حق سقط جنین زنان نه از روی دلسوزی برای جنین آنهاست بلکه برای تداوم و بقای نظام سرمایه داریست.

چه کسی هست که نداند بخش بزرگی از ارتش جنایتکار امریکا را فرزندان طبقه محروم تشکیل می‌دهد که از فقر و درماندگی برای رقم زدن آینده ای شاید بهتر به ارتش می‌پیوندند. آنها برای لقمه ای نان و تأمین زندگی، قربانیان جنگ‌های امپریالیستی می‌شوند و اگر شانس بیاورند و در جنگ کشته نشوند بعد از برگشت به امریکا با بیماری‌های روحی دست به گریبان می‌شوند. بسیاری از آنان دچار اعتیاد به الکل و مواد مخدر می‌شوند و سرآخر در زیر پل‌ها در کنار جاده‌ها جان می‌بازند. امروز که جنگ طلبی به طور هر چه واضح‌تر به جزئی جدائی ناپذیر از سیاست هیأت حاکمه امریکا تبدیل شده است، ارتش‌ها آنها بیش از هر وقت دیگر نیاز به نیروی ارزان برای خدمت نظامی دارد، و آنها میدانند که این نیرو را در آینده نه از طبقه مرفه جامعه بلکه بخشاً از همین کودکان ناخواسته باید تأمین کنند. از طرف دیگر سرمایه داران زالو صفت به‌خوبی میدانند که نیروی ارزان کاری که برای حیات سرمایه داری به آن نیازمند هست باید از بین همین قشر فقیر و زحمتکش جامعه تأمین شود و از اینروست که امروز در حالیکه هیچ حق و حقوقی اجتماعی برای زنان زحمتکش قائل نیستند حق پایه ای زنان در آزادی حق انتخاب سقط جنین را با وقاحت و تحت پوشش "حق حیات" پایمال می‌کنند. مرتجعین موافق لغو حق سقط جنین زنان در حالی که مزورانه از حق حیات جنین دم می‌زنند ولی در عمل "حق حیات" میلیونها انسان رنج‌دیده را پایمال منافع آزمندان خود کرده و می‌نمایند.

تعرض آشکار اخیر به حقوق زنان بدون شک برگ جدیدی را در تاریخ مبارزات زنان رقم خواهد زد. مرتجعین تصور می‌کنند که می‌توانند جوامع را به عقب برگردانند، چرا که آنها فاقد دید تاریخی و علمی نسبت به تکامل تاریخ بشری هستند. اما مبارزات زنان به پیشروی خود ادامه خواهد داد و در همین پروسه زنان می‌آموزند که برای رهایی از شرایط دردناک کنونی باید به قدرت مبارزاتی خود تکیه کنند، باید در سایر مبارزات اجتماعی شرکت کنند و با همبستگی با مبارزات کارگران و زحمتکشان خود را متشکل سازند. تجربه اخیر به طور عینی به همه نشان داد که بورژوازی‌ها و جانی حاکم هر زمان که منافعش ایجاب کند با وقاحت تمام، به دست آوردهای مبارزاتی که در چهار چوب مناسبات حاکم بدست آمده تعرض می‌کند و آنها را پس می‌گیرد. بنابراین، اگر می‌خواهیم دست نهاد های مذهبی، مردسالاری و سرمایه داران از حقوق زنان کوتاه شود و زنان به آزادی واقعی و پس ناگرفتنی دست پیدا کنند باید ریشه همه این ستم‌ها یعنی عامل اصلی که همانا نظام جنایتکار سرمایه داریست را نابود کنیم و راه را برای رسیدن به وسیع‌ترین آزادی‌ها که در آن حقوق زنان به طور کامل به رسمیت شناخته خواهد شد، هموار کنیم. امروز ارتجاع حاکم بدون نقاب، بدون کوچکترین شرم و حتی گرفتن ژست دفاع از دموکراسی به میدان جنگ آمده است. این امر نشان می‌دهد که رفرمیسم، سازشکاری و صحبت از گفتمان مدنی بیراه ای بیش نیستند که فقط به هر چه بیشتر قوی‌تر شدن ارتجاع کمک خواهند کرد. در حالی که همه ما، همه زنان و مردان انقلابی باید به سلاح انقلاب مجهز شویم. چرا که تنها راه مقابله با شرایط ظالمانه کنونی و رسیدن به آزادی و از جمله آزادی زنان، راه انقلاب است.

۲۶ جون ۲۰۲۲